

ساعتِ خوابِ شهرزاد

تحلیلی روایت‌شناسانه از هزار و یک شب

به قلم
شهرام دلشاد

www.ketab.ir



امیرکتاب خوارزمی

سرشناسه:	دلشاد، شهرام، ۱۳۶۷
عنوان و نام پدیدآور:	ساعت خواب شهرزاد (تحلیلی روایت‌شناسانه از هزار و یک شب) / به قلم شهرام دلشاد
مشخصات نشر:	تهران: انتشارات مروارید، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری:	۱۷۱ ص.
شابک:	978-964-191-971-1
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا	
موضوع:	هزار و یک‌شب - تاریخ و نقد
موضوع:	Arabian nights - History and criticism
رده‌بندی کنگره:	PJA ۳۴۸۶
رده‌بندی دیویی:	۸۹۲ / ۷۳۳۴
شماره کتابشناسی ملی:	۸۷۰۸۵۵۸



انتشارات مروارید

تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، پلاک ۱۱۸۸ / ص. پ. ۱۶۵۴ - ۱۳۱۴۵
 دفتر: ۶۶۴۰۰۸۶۶ - ۶۶۴۱۴۰۴۶ - ۶۶۴۸۴۶۱۲ فاکس: ۶۶۴۸۴۰۲۷ فروشگاه: ۶۶۴۶۷۸۴۸
<https://instagram.com/morvaridpub> - <https://telegram.me/morvaridpub>
 تخفیف و ارسال رایگان: www.morvarid.pub



ساعت خواب شهرزاد

تحلیلی روایت‌شناسانه از هزار و یک شب

شهرام دلشاد

تولید فنی: الناز ایلی

صفحه‌آرایی: تینا حسامی

چاپ اول: بهار ۱۴۰۱

چاپخانه: هوران

تیراژ ۳۳۰

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۹۷۱-۱ ISBN: 978-964-191-971-1

۶۵۰۰۰ تومان

فهرست مندرجات

۷.....	پیش‌خوانی.....
۱۹.....	شکرد اول: پایان باز.....
۴۳.....	شکرد دوم: تقاطع زمانی.....
۶۱.....	شکرد سوم: قاعده عجیب و غریب.....
۸۱.....	شکرد چهارم: تعویق نقطه اوج.....
۹۹.....	شکرد پنجم: تداخل روایتی.....
۱۱۹.....	شکرد ششم: پرسشگری.....
۱۳۹.....	شکرد هفتم: هم‌بوم‌پنداری.....
۱۶۹.....	کتابنامه.....

پیش‌خوانی

هزار و یک شب، اثری فنی و صنعتمند است که از حکایت‌های سحرآمیز و شورانگیز زیادی برخوردار است. جذابیت و ابداع، از آغاز تا فرجامش موج می‌زند؛ از قصهٔ بنیادینش گرفته تا فرجام نمادینش. آنچه در این کتاب ما را فریفته و مفتون خود ساخته، بند پایانی شب‌ها یا به عبارت دیگر فرجام شب‌هاست که تا حدود زیادی در پژوهش‌های تاریخی، نظری و روایت‌شناسی مربوط به هزار و یک شب مغفول و مسکوت مانده است. با جرأت می‌توان گفت که بنیادی‌ترین بخش روایت در هزار و یک‌شب را، نه آغاز حکایت‌ها در بر دارد و نه پایان حکایت‌ها، همچنان‌که آغاز شب‌ها به‌اندازهٔ پایان شب‌ها از اهمیت زیادی برخوردار نیست. همچنین در این مجموعه حکایت‌های دلکش و زیبا، میانهٔ حکایت‌ها و بخش‌های دیگر داستان از قبیل کشمکش‌ها، جدال‌ها، مکان‌ها، زمان‌ها، بن‌مایه‌ها، رخدادها و حکایت‌های تودرتو، از جهت اهمیت و صنعت روایت‌پردازی، هم‌سنگ و هم‌ردیف بخش پایانی شب‌ها نیست. هرچند تمامی این بخش‌ها و سازه‌ها در مجموعهٔ داستانی هزار و یک شب، از شگردها و شیوه‌های جادویی و تحسین‌برانگیزی برخوردار است که همگی در پیشبرد و نتیجه‌بخشی این

مجموعه داستانی عظیم سهیم‌اند، اما هیچ‌کدام به اندازه بند پایانی شب‌ها، پراهمیت و اساسی به‌شمار نمی‌آید. این بخش همان است که ما در این پژوهش تقدی، از آن با عنوان «ساعت خواب شهرزاد» نام برده‌ایم.

انتخاب عنوان «ساعت خواب شهرزاد» برای این اثر تحقیقی، عنوانی صرفاً فریبنده و وسوسه‌کننده، به قصد فریب خواننده تشنه‌کام و دوستدار هزار و یک شب و کشاندن وی به اثر نیست. مقوله‌ای که شوربختانه امروزه در بسیاری از تألیفات دیده می‌شود و در آن نویسندگان سعی در انتخاب عنوان جذاب و گیرا هرچند ناهماهنگ با اثر و با محتوایی نازل، به قصد جذب مخاطب و فروش حداکثری اثر دارند؛ برخلاف این جریان، عنوان کتاب حاضر کاملاً هماهنگ و مرتبط با محتوا و بدنه پژوهش پیش رو است. زیرا این کتاب، پژوهشی درازدامن درباره تمامی بخش‌های هزار و یک شب به‌شمار نمی‌رود، بلکه پژوهشی خرد در حوزه روایت‌کاوی، روایت‌شناسی و شیوه‌های داستان‌پردازی این مجموعه داستانی، آن هم تنها با تکیه بر بند پایانی شب‌هاست.

اهمیت بند پایانی شب‌ها از کجا ناشی می‌شود؟

اصولاً فرجام و ساعت پایانی هزار و یک شب و نوع پایان‌بندی قصه، اصلی‌ترین بخشی است که در مقبولیت اثر نقش‌آفرینی می‌کند. غالب ارزیابی‌ها، تعریف‌ها و تمجیدها معطوف به همین بخش اثر است. در هزار و یک شب، وظیفه فرجام نه بر بخش پایانی حکایت‌ها بلکه بر دوش بخش پایانی شب‌ها نهاده شده است. این برهه و این ساعت و این بازه زمانی مشخص، در صورت عدم درایت زیبابانوی قصه، شهرزاد، می‌توانست به ساعت قتل و کشته شدن او تبدیل گردد. درحقیقت لحظات پایانی شب‌ها، ساعت و زمان قتل شهرزاد بود، همان‌طور که دیگر دوشیزگان شهر در این بازه زمانی، نرسیده به صبح قصر شهریاری، از دم تیغ جلاد بارگاه شاهی

گذشتند، شهرزاد نیز از قرار معلوم، می‌باید چنین پایانی را تجربه کند. لیکن وی این موقعیت تلخ و ناگوار را با درایت و دانایی به فرصتی بی‌نظیر و طلایی برای بقا، امید، جاودانگی، پویایی، سرزندگی و حیات تبدیل می‌کند. مطمئناً برهم‌ریختن برنامه شهریار و براندازی چنین موقعیت کشنده‌ای، که عادت مدام شاه ضحاک صفت است، به سازوکارهای نیرومند و قدرتمندی نیاز دارد که می‌باید نه فقط در بدنه روایت و سخن نجات‌بخش، بلکه در بند پایانی و حساس قصه، توسط شهرزاد به کار گرفته شود. شهرزاد در فراز پایانی روایت، در هنگام بامداد و فروکش کردن ستاره‌ها و بردمیدن تارهای سپیده‌دم، چه جادویی در کلام می‌پیچد و چه تدبیر و ترفندی به کار می‌برد که مرگ خود را به تعویق می‌اندازد؟ معمایی که با آگاهی از رفتار دیوپسندانده شهریار در کشتن هر شبانه‌دختری، حل‌ناشدنی و دشوار به نظر می‌آید، لذا این پژوهش به خواننده کمک می‌کند تا پاسخ این چالش مهم و مبهم را دریابد.

دو مؤلفه در نقد کهن که یکی از آن دو، براحتی استهلال یا مطلع و دومی مقطع یا حسن ختام است، از دیرباز مورد توجه ناقدان و سخن‌شناسان بوده است. در هزار و یک شب، هر پایانی مقدمه‌ای برای آغازی دوباره است. از این‌رو مقطع و بند پایانی شب‌ها از اهمیتی همپایه مطلع و مقطع به‌طور توأمان برخوردار است. در هزار و یک شب، دلایل و اهداف مختلفی چون تعویق مرگ، نجات جان، درمان شهریار، جذب روایت‌شنو و استمرار توالی داستانی در میان است. بنابراین بند پایانی شب‌ها در این مجموعه عظیم داستانی، از یک تأثیرگذاری گذرا و کلیشه‌ای که دیگر قصه‌ها و چکامه‌ها در صدد القای آن هستند، فراتر می‌رود و وظایف و مأموریت‌های خطیر و مهم‌تری را بر عهده دارد. شهرزاد در این مقطع حساس از روایت، باید چگونه روایت را طراحی کند که در جان و روان شهریار کارگر افتد و او را از عادت مدام و گریزناپذیر سفاکی و خونریزی و سنت دیرینه درخیمان‌ه‌اش

منصرف سازد تا شبی دیگر زندگی را به جریان بیندازد؟ این جاست که این پژوهش با توجه به اهمیت بند پایانی شب‌ها، می‌کوشد با رویکرد روایت‌شناسی درون‌متنی، بر پایه نقل قول‌ها و گفتارهای بیان‌شده در بند پایانی شب‌ها، به تحلیل و بررسی شگردهایی که شهرزاد در این بند از روایت برای عملی نمودن اهداف خود به‌کار گرفته، بپردازد.

شهرزاد در پایان شب‌ها چگونه عمل می‌کند؟

سؤال اساسی این کتاب چنین است که شهرزاد در پایان شب‌ها چه طرحی می‌افکند و چه شگردی می‌ریزد که شهریار را مشتاقانه تا شبی دیگر و به همین ترتیب برای شب‌های دیگر، تا سه سال متوالی منتظر می‌گذارد و روح روان‌پریش، نژند و سرکش وی را با چه دارویی به‌طور کارآمد و مادام‌العمر تجویز و درمان می‌سازد؟ این سؤال شاید برای بسیاری از خوانندگان هزار و یک شب مطرح باشد و چنین مسئله‌ای شاید برای بسیاری از ما پیش آمده باشد که هنگام مشاهده سریالی تلویزیونی و سینمایی، آخرین پلان و سکانس سریال جوری خاتمه می‌یابد که ببیننده را برافروخته می‌کند و عطش وی را برای دیدن ادامه سریال بیشتر می‌نماید و وی را تا روز، هفته و حتی ماه و سال بعد برای مشاهده قسمت پسین یا فصل بعدی مجموعه به انتظار می‌کشانند. چنین تکنیک و سوسه‌کننده‌ای، حتی خواننده دوستدار آثار فاخر را به تماشا و پیگیری آثار مبتذل و کم‌مایه، به‌رغم تفر و عدم تمایل به آن مجبور می‌سازد، که این نشان از اهمیت تکنیک کشش و ایجاد انتظار داستان دارد که سازوکارهای متعددی را می‌طلبد، عمده‌ترین هدفی که از کاربرد چنین تکنیکی در نظر گرفته می‌شود، عدم گسست و انفصال مخاطبان، بینندگان یا شنوندگان اثر است. نویسندگان یا کارگردان با این ترفند، خوانندگان و تماشاگران خود را تا پایان اثر، مشتاقانه با خود همراه می‌کند. شهرزاد دیرینه‌ترین راوی فولکلور مشرق‌زمین و کارگردان مجموعه جنایی -